

تعریف درستی از تصحیح متون کهن نداریم



سید اکبر راشدی‌نیا، از جمله پژوهشگران و مصححانی است که اعتقاد دارد، مصصحان هنوز تعریف دقیقی از تصحیح ندارند و برخی از متون هن تنها با حروف‌چینی جدید و با افتادگی در حد صفحه منتشر می‌شود. وی می‌گوید، بین میراث به جا مانده و احیا و انتشار آن نسبت ناچیزی وجود دارد.

سید اکبر راشدی‌نیا، مصحح و پژوهشگر متون و نسخ خطی در حوزه عرفان است. وی که یکی از دغدغه‌هایش توزیع نامناسب آثار منتشر شده در حوزه احیای میراث فکری و معنوی تمدن ایران اسلامی است، اعتقاد دارد، هنوز تعریف روشن و دقیقی از تصحیح بین مصححان ما وجود ندارد. وی تهیه تصویر نسخه‌های خطی را سخت و هزینه‌بر می‌داند و از متولیان می‌خواهد چرخه توزیع آثار را اصلاح کنند تا نسخه‌های منتشر شده بهتر به دست مخاطبان برسد.

گفت‌وگوی مشروح اینبا، با این مصحح درباره موانع بر سر راه احیای تراث اسلامی را در ادامه می‌خوانید:

از آنجا که تراث اسلامی میراث معنوی و فکری ایران اسلامی است و رساله‌ها و نسخه‌های خطی در حوزه فلسفه اسلامی نیز جزیی از آنها به شمار می‌آید. ایرانیان معاصر و پژوهشگران تا چه میزان توانسته‌اند از این میراث فکری محافظت و آن را به درستی احیا کنند؟

نسبت آنچه که از میراث گذشتگانمان به صورت خطی به ما رسیده با آنچه از آنها منتشر شده است نسبت ناچیزی است. در کل این نسبت ناهماهنگ است. بگذارید برایتان یک مثال بزنم. «عثمان یحیی» مجموعه آثار ابن‌عربی را تحقیق و بررسی کرده است. به استناد گزارش وی ۱۲۲ شرح بر کتاب «فصوص الحکم» ابن‌عربی نوشته شده که از میان این شروح بیش از صد شرح هنوز منتشر نشده است در حالی که بخش معظمی از این شروح دارای نسخه هستند. همین مثال نشان می‌دهد که نسبت‌های بین آنچه به ما رسیده و آنچه منتشر شده چقدر است. «اشارات و تنبیهات» از جمله کتاب‌های مهم ابوعلی سینا است که مورد توجه اندیشمندان بعد از او قرار گرفته است. در کتاب «جامع الشروح و الحواشی» حدود ۵۰ شرح و حاشیه و ترجمه بر کتاب اشارات ابن‌سینا نوشته شده است اما امروزه و در حال حاضر تنها ۵ یا ۶ شرح اشارات احیا و منتشر شده است.

همانطور که می‌دانیم میراث نسخ خطی تنها معطوف به حوزه فلسفی نیست بلکه در حوزه روایات نیز نسخه‌های بسیاری وجود دارد. «سیط ابن جوزی» با واسطه از سیدمرتضی نقل می‌کند که در کتابخانه‌اش بیش از ۴۰۰ خطبه امیرالمؤمنین وجود داشته است و مسعودی در تاریخ خود از ۴۸۰ خطبه امیرالمؤمنین سخن گفته که مردم آنها را حفظ کردند اما تنها بخش کوچکی از آنها حدوداً نصف آن از سوی سیدمرتضی جمع‌آوری و با نام نهج‌البلاغه امروزه در دست ماست. البته به همین هم بسنده نشده و سید

رضی بیشتر خطبه‌ها را تلخیص کرده و بخش زیادی از آنها را در کتاب نهج‌البلاغه نقل نکرده است مثلاً بنده نسخه‌ای کامل از خطبه «قاصعه» پیدا کرده‌ام که با آنچه در نهج‌البلاغه آمده تفاوت زیادی دارد، این خطبه به صورت کامل در اختیار محدثان شیعه همچون کلینی، صدوق و طبرسی بوده و حتی نسخه مکتوب گزارش «سید ابن طاوس» تا قرن هفتم از این خطبه وجود داشته اما آنچه ما از این خطبه می‌شناسیم بخشی است که در نهج‌البلاغه آمده است.

با این توضیح به نظر می‌رسد که بین نسخ احیاء شده و منتشر شده توازنی وجود ندارد؟

بله این طور است ما امروزه میراث‌دار هزار و اندی سال تلاش علمی بزرگانمان در شاخه‌های مختلف حدیثی، تفسیری و فلسفی هستیم که بخش کمی از آنها احیاء شده‌اند. علاوه بر اینکه بخشی از این نسخه‌ها از بین رفته و بخش کوچک به دست ما رسیده است. به عنوان نمونه کتاب «نجاشی» که در واقع کتاب فهرست است به صدها کتاب از محدثان شیعه اشاره کرده که هنوز به دست ما نرسیده است.

هر اقدام فرهنگی و علمی خالی از خلل و نواقص نیست. شما به عنوان یک مصحح مهمترین آسیب‌های وارد بر حوزه احیای تراث اسلامی را در چه مواردی ارزیابی می‌کنید؟

در پاسخ به این سوال شما باید بگویم بررسی آسیب‌های وارد بر حوزه احیاء تراث اسلامی جلساتی مجزا می‌طلبد اما به صورت خلاصه اولین آسیب وارد بر این حوزه شناسایی متون است ما در شناسایی و درجه‌بندی متون گذشته خودمان مشکل داریم. گاهی دیده می‌شود متون غیرمهم درجه ۲ و ۳ توسط عده‌ای به صورت همزمان در اقصی نقاط کشور تصحیح می‌شود. اولین اقدام ما این است که متون را شناسایی کنیم. در گام بعدی آنها را رتبه‌بندی کرده و سپس دست به تصحیح آنها بزنیم متأسفانه روال کار بین برخی مصححان بر این است که نسخه‌های در دسترس خود را تصحیح می‌کنند و در پاسخ به چرایی این مساله می‌گویند که این نسخه در دسترس بود.

ارزش‌گذاری و غربال این متون نیازمند استانداردهایی است. به نظر شما احصای ارزش یک متون چگونه فراهم می‌شود؟

برای این کار ما نیازمند یک تیم قوی هستیم که تعریف درستی از تصحیح متون داشته باشیم تا بتواند ارزش‌گذاری خوبی برای متون انجام دهد. فرض کنید چند میلیون متن داریم از این تعداد باید متون درجه یک و تاثیرگذار در دوره‌های مختلف مشخص شود سپس زمان‌بندی مشخصی برای تصحیح این متون در نظر گرفته شود تا در این برهه متخصصان و کارشناسان دست به تصحیح متون بزنند. به نظر من شناسایی گام نخست تصحیح متون است. در ادامه پاسخ به سوال دوم شما باید بگویم دستیابی به این نسخه‌ها که در جای جای جهان پراکنده هستند آسان نیست. نمی‌توانیم بگویم همه نسخه‌ها در هند و پاکستان نگهداری می‌شوند. متأسفانه دستیابی به نسخه‌ها فرایند طولانی و هزینه‌بری دارد. پروسه طولانی در اختیار دادن تصاویر نسخه‌ها و هزینه‌گزار برای دریافت آنها از دیگر آسیب‌های جدی تصحیح متون است و تا زمانی که ما به نسخه‌های متون تاثیرگذار دسترسی نداشته باشیم بیشتر سخنان و نوشته‌هایمان بر مبنای گمان و حدس خواهد بود.

در این باره هم می‌خواهم برایتان مثالی بزنم. کتاب «مجالس عارفان» که در بردارنده مجالس ابوسعید ابوالخیر است از جمله کتاب‌هایی است که بنده نسخه آن را از کتابخانه‌ای در قونیه پیدا، تصحیح و منتشر کرده‌ام. این مجالس در دسترس پژوهشگرانی مانند «فریتس مایر» و سایر استادان ایرانی نبوده است لذا تمام تحلیل‌های خود از حیات معنوی این عارف بزرگ را بر مبنای کتاب «اسرار التوحید» و «حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر» که بعد از مرگ ابوسعید ابوالخیر نوشته بنا کرده‌اند. در حالی که آنچه «ابوالروح» در کتاب «حالات و سخنان» گفته بعد از صد سال از مرگ ابوسعید بیش از دویست مجلس از مجالس شیخ در دست

مردم بوده که اگر ما به اینها دست یابیم آنوقت می‌توانیم با اطمینان در مورد افکار و عقاید و دغدغه‌های معنوی ابوسعید سخن بگوییم. ما در کتاب مجالس عارفان هشت مجلس از این مجالس را برای اولین بار احیا و منتشر کردیم. آسیب دیگری که در این زمینه داریم بحث تصحیح است متأسفانه باید بگوییم برخی مصححان تعریف درستی از تصحیح ندارند. انتشار متن الزاما به معنای تصحیح آن متن نیست. دیده می‌شود که مرکزی برای احیای آثار یکی از حکمای بزرگ اسلامی شکل گرفته و قرار است آثار این حکیم را به بهترین شکل ارایه کند بعد از سالها کار و صرف هزینه زیاد اثری را به عنوان اثر مصحح چاپ کرده که در مقایسه با متن غیر مصحح متوجه می‌شویم بارها در حد صفحه جافتادگی‌هایی دارد که متأسفانه وضع تصحیح نباید این‌گونه باشد بلکه باید موسسه متولی آموزش درست تصحیح به پژوهشگران تاسیس شود. این‌گونه انتشار متون خطی تنها «انتشار» است یعنی با یک حروف‌چینی اقدام به چاپ نسخه‌ها می‌کنیم در حالی که تصحیح درست و منطقی بر آنها انجام نشده است. معضل و آسیب دیگر احیای میراث مکتوب در عرضه و توزیع آنهاست. اینکه می‌گویند سرانه مطالعه پایین است حرف درستی است اما الزاما تمام مشکل این نیست متأسفانه ما سیستم خوبی برای عرضه این آثار نداریم. وقتی چرخه عرضه معیوب باشد تمامی کار اعم از شناسایی، تصحیح و انتشار زیر سوال می‌رود. ده‌ها دانشگاه در اقصی نقاط ایران تاسیس شده است تمامی این دانشگاه‌ها کتابخانه دارند بن‌مایه اصلی مطالعه در هر کتابخانه همین متون خطی و قدیمی است اما در سیستم توزیع مشکل دارد.

پژوهشگاه‌ها از جمله دستگاه‌های عریض و طویل فرهنگی و علمی هستند که گاه بخشی برای احیای متون ندارند و تنها آثار اعضای هیات علمی خود را به چاپ می‌رسانند. شما با این تلقی موافقت می‌کنید؟ اگر نه، مصداقی بیان کنید.

در کل باید بگوییم یک پژوهشگاه راهبردی برای احیای متون نداریم. مراکز و افراد علاقه‌مند به صورت پراکنده در این حوزه فعالیت می‌کنند. چندین و چند موسسه و پژوهشکده در حوزه‌های مختلف موسسه مشغول به کار هستند. این نهادهای علمی همان‌طور که گفتم باید یک تیم شناسایی قوی تشکیل داده و یک دوره به صورت متمرکز در کتابخانه‌های مختلف دنیا مثلا در کتابخانه استانبول دست به شناسایی متون بزنند.

شناسایی این متون از انتساب غیرحرفه‌ای رساله‌ها به فلاسفه و علما پیشگیری می‌کند.

بله. از یک سو سابقا مرسوم نبود کاتبان نام مولف کتاب را در اول آن بنویسند و از سوی دیگر برخی کاتبان با بی‌اخلاقی با انتساب نسخه‌ها به افراد مشهور آنها را می‌فروختند همین مساله باعث اشتباهات زیاد در مولفان آثار به جای مانده از گذشتگانمان شده است ما امروزه صدها اثر به نام افراد مشهور داریم که غالبا نوشته دیگران است به عنوان مثال بیشتر کتاب‌های فارسی که به «صدرالدین قونوی» نسبت داده شده نوشته شخصی به نام ناصرالدین خویی است. علاوه بر انتساب کتاب غلط نظریه‌های علمی نیز به دلیل عدم دسترسی به همه میراث علمی گذشتگانمان شایع است مثلا معروف است که نظریه «وحدت وجود» را ابتدا ابن عربی مطرح کرده و این اصطلاح سالها بعد توسط شاگردان جعل شده است و حال آنکه اگر به میراث به جای مانده از عارفان غرب جهان اسلام همچون اندلس مراجعه کنیم می‌بینیم سالها قبل از ابن عربی این نظریه در آثار بزرگانی همچون ابن برجان مطرح بوده است، چنانکه ابن سبعین که معاصر با ابن عربی است با تصریح به اصطلاح وحدت وجود آن را نظریه‌ای مشهور در نزد عارفان و صوفیان می‌داند.

به نظر شما فاصله ایران به عنوان مبدأ و مهد تالیف متون خطی با سایر کشورهای دارای نسخه‌های خطی چقدر است؟
اگر ایران را با کشورهای اروپایی مقایسه کنیم. تقریبا مقایسه درستی نیست زیرا کشورهای اروپایی نسخه‌های محدودی دارند و

فهرست‌های خوبی هم نوشته‌اند و با وضعیت خوبی از آنها نگهداری می‌کنند اما در جهان اسلام که در واقع صاحبان نسخه هستند چنین است که بخشی از این نسخه‌ها هنوز بین افراد و مجموعه‌داران پراکنده است اما از نظر فهرست‌نگاری ایران نسبت به بسیاری از کشورهای اسلامی وضعیت خوبی دارد. تعداد نسخه‌های خوب در کشورمانند ترکیه به نظر من بیشتر از ایران است البته این امر طبیعی است زیرا بزرگترین امپراتوری جهان اسلام که عثمانی باشد در ترکیه بوده و بهترین نسخه‌ها از کشورهای مختلف همچون مصر، عراق و ایران و کشورهای شمالی حوزه بالکان به این امپراتوری رفته است به‌ویژه در حوزه علوم عقلی و فلسفه و عرفان نسخه‌های بسیار نفیس در این کشور وجود دارد به عنوان مثال با اینکه «عبدالرزاق کاشانی» شرح «فصوص الحکم» خود را در تبریز نوشته اما در حال حاضر این نسخه به دستخط خود او در استانبول وجود دارد و صدها اثر دیگر در شهرهای مختلف ایران کتابت شده و در کتابخانه‌های ترکیه نگهداری می‌شود. در کل می‌توان گفت وضعیت ایران در فهرست‌نگاری و نگهداری به لحاظ کیفی و کمی در وضعیتی بینابین به سر می‌برد.

منبع: ایبنا